

بررسی شیوهی تحلیل شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها با تکیه بر غزل‌های عطار

سیاوش حق‌جو^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

سحر طاهری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۵)

چکیده

بازشناسی و دریافت ویژگی‌های گوناگون متون مختلف ادبی که همواره از گذشته‌های دور تاکنون مورد توجه پژوهشگران و دوست‌داران ادب بوده‌است در دهه‌های اخیر به یاری اخذ شیوه‌های متعدد پژوهشی با رویکردهای گوناگون علمی، چهره‌ی حقیقی آثار را بیش از گذشته برای خوانندگان آشکار ساخته‌است. در این میان بررسی‌های سبک‌شناسانه‌ی محققان از بین شیوه‌های گوناگون پژوهشی بیشترین سهم را در شناسایی آثار داشته و کلمات به‌عنوان نبض تپنده‌ی زبان، عنصر اصلی همه‌ی این شیوه‌های پژوهشی بوده‌است. در این مقاله نیز با تکیه بر غزلنایات عطار به شناخت و معرفی شیوه‌ی تحلیلی بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها پرداخته می‌شود. در این روش پرمسامدترین کلمه یا کلمات یک اثر ادبی در سطوح گوناگون تحلیلی اعم از واژگان، ترکیبات و فعل‌ها شرح و مورد بررسی قرار داده می‌شود و برای شفاف‌سازی برخی از توضیحات به نمونه‌هایی از غزل‌های عطار نیز اشاره می‌گردد. پیمایش دقیق آثار و پرهیز از ایراد نتایج کلی، تحلیل آثار از هر دو جنبه‌ی زبان و معناشناسی، شکل‌گیری فهرستی از مهم‌ترین لغات و ترکیبات یک اثر و شناخت ویژگی‌های سخن‌گوینده و نیز بهره‌گیری از نتایج بررسی سطوح گوناگون تحلیل در سایر تحقیقات با رویکردهای گوناگون علمی، از جمله ره‌یافت‌های به‌کارگیری این شیوه از تحقیق است.

واژه‌های کلیدی: کلمه، هم‌نشینی، کلیدواژه، غزل، عطار.

^۱ siavashtavasin@yahoo.com

مقدمه

غزل که از دیرباز بهترین نوع ادبی برای طبع‌آزمایی شاعران بوده است با مضامین عاشقانه راه خود را آغاز کرده و به تدریج با ورود مضامین عرفانی و قلندری بر شمار مخاطبان آن افزوده شده است. اوج و تعالی هر یک از مضامین غزل در شعر سخن‌پردازانی همچون: سنایی، عطار، سعدی، مولوی و حافظ دیده می‌شود که در قرن ششم و هفتم خاتم‌المضامین این نوع ادبی به شمار می‌روند. پس از این دوره‌ها آنچه در حوزه‌ی شعر و به ویژه غزل بدان پرداخته می‌شود تنها پاره‌ای از مضامین تکراری و یا تقلید از شاعران پیشین است که غیر از جریان معاصر و شعر نو، هرگز به مفاهیم نویی در شعر منجر نمی‌گردد. جریان‌سازی و اهمیت سروده‌های این گروه از شاعران، آثار آنها را به یکی از موضوعات اصلی پژوهش‌های ادبی بدل ساخته است و شکل زبان هر یک از این آثار نخستین موضوعی است که محقق را به تفکر وامی‌دارد. کشف اینکه هر گوینده برای بیان معانی خویش به استعمال چه کلماتی می‌پردازد؟ و پس از انتخاب مهره‌های اصلی متن، چگونه آنها را به کار می‌گیرد؟ تا حد زیادی اندیشه‌های پنهان سخن او را آشکار می‌سازد. در حقیقت، انواع بررسی‌های ادبی با رویکردهای گوناگون، از رهگذر تحلیل ساختاری متن به برداشت‌های تفسیرگرایانه و گاه به نتایج متقن منتهی می‌گردد؛ از این رو پدیده‌های صوری متن بیش از هر گزینه‌ی دیگری در یک تحلیل حائز اهمیت است. در این مقاله نیز به شناخت و معرفی شیوه‌ای از بررسی‌های ساختاری پرداخته می‌شود که افزون بر نظم، در حوزه‌ی متون منثور نیز کارآمد است. این بررسی ساختاری که تا اندازه‌ای روش تحلیل فرمالیست‌های روس و ساخت‌گرایان را به یاد می‌آورد با محوریت کلمه به کندوکاو سطوح گوناگون صوری و معنایی می‌پردازد و نخستین مرحله‌ی آن با گزینش کلمه و یا کلمات در سطح گسترده‌تری آغاز می‌گردد. همچنین برای شناخت و معرفی هر چه بیشتر این روش تحلیلی به ذکر نمونه‌هایی از غزلیات عطار به‌عنوان یکی از غزل‌پردازان بزرگ زبان پارسی پرداخته می‌شود. دستاوردهای حاصل از این بررسی بیانگر بسیاری از ویژگی‌های گوناگون سبکی است که گاه به سبب نگاه کلی برخی از شیوه‌های تحقیقی همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی می‌ماند. یکی از مواد اصلی بررسی این شیوه‌ی پژوهشی کلمه است. کلمات که

لوریا از آنها با عنوان «واحد اندیشه» (لوریا، ۱۳۷۶: ۸۲) تعبیر می‌کند تنها با قرار گرفتن در محور هم‌نشینی ارزش‌گذاری معنایی می‌شوند و در حقیقت آنچه معنای سخن گوینده (شاعر) را تعیین می‌کند محور هم‌نشینی و جانشینی است؛ اگرچه کلمات به‌عنوان ماده‌ی اصلی زبان این دو محور را شکل می‌دهند. بنابراین شاید بهتر آن باشد که در تصحیح این توضیح، کلمات را تعیین‌کننده‌ی معنای سخن و چگونگی کاربرد آنها را بر روی دو محور هم‌نشینی و جانشینی تعیین‌کننده‌ی سبک شاعر بدانیم. در بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها نیز، کلمات و محور هم‌نشینی اساس بررسی‌های پژوهش را تشکیل می‌دهند و از زوایای گوناگون زبان مورد بررسی قرار می‌گیرند. اگرچه بررسی موضوع این مقاله بر اساس هیچ‌یک از نظریه‌های زبان‌شناسی صورت پذیرفته‌است، اما به دلیل قرابت شیوه‌ی تحلیل موضوع مورد بررسی با بررسی‌های سبک‌شناسان و ساختارگرایان، بیان توضیحاتی در باب این موضوعات و همچنین ابزار و مفاهیم آنها، یعنی واژگان و محور هم‌نشینی امری ضروری می‌نماید. در واقع سبک‌شناسی و ساختارگرایی آمیزه‌ای از بررسی‌های زبانی و ادبی و فکری است، و موضوع این پژوهش التقاطی از مجموع این مفاهیم است.

۱- چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱ واژگان

هر کلمه با بارهای مختلف معنایی، در محور نحوی و با تأثیرپذیری از کلمات هم‌نشین هویت می‌یابد. در چنین حالتی افزون بر زیبایی مستقل کلمات، از قطعیت معنای هر واژه نیز که گاه خارج از بافت سخن با معانی چندگانه شناخته می‌شود، کاسته می‌گردد. همچنین بیان این نکته حائز اهمیت است که وابستگی نحوی کلمات برای خلق صورتی از زیبایی‌های هنری، هرگز هویت صوری و اثرات ضمنی مستقل آنها را رد نمی‌کند (آقاحسینی و آلگونه‌جوتقانی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). هنگام مطالعه‌ی یک اثر منظوم، پس از خواندن چند شعر از یک مجموعه‌ی شعری، درمی‌یابیم که برخی از مضامین و کلمات در بیت تکرار می‌شوند و آن‌گاه که از ابتدا چند مرتبه به مرور اشعار می‌پردازیم؛ پی می‌بریم که مجموعه‌ای از کلمات، یک مضمون یا کلمه‌ای خاص را که در سراسر شعر تکرار می‌گردد، احاطه

می‌کنند. این کلمه‌ها که با عنوان کلیدواژه شناخته می‌شوند به همراه واحدهای هم‌نشین خود نمایه‌هایی از تفکرات و دغدغه‌های درونی شاعر را نشان می‌دهند که به واسطه‌ی زبان نوشتار به خواننده منتقل می‌گردد. به سخن لارنس پیرین: «وظیفه‌ی شاعر کشف مداوم است. او معمولاً در صدد یافتن واژه‌هایی است که به خاطر قرابت پنهانی‌ای که با یکدیگر دارند، وقتی کنار هم می‌نشینند، معانی شگفت می‌آفرینند» (عمران‌پور، ۱۳۸۶: ۱۶۰). در حقیقت، کلمات همانند مجرای تنگی هستند که دریای عمیق معانی را از تنگنای خویش عبور می‌دهند و گویا گستردگی دایره‌ی واژگان شاعر، تنها راه بیان جامع و دقیق مفاهیم آنهاست. اگر چه «اندیشه‌ها و معانی به تمامی در الفاظ در نمی‌گنجد و ما تنها آثار و نشانه‌های آن را در زبان می‌بینیم» (سلیمانان، ۱۳۸۹: ۱۶۰) اما شاعر به یاری تنوع و توسعه معنایی کلمات و در نهایت با تصویرسازی به واسطه‌ی آنها، می‌تواند به بیان نزدیک‌تری از دنیای درونی شاعر دست یابد.

۱-۲ محور هم‌نشینی و جانشینی

حوزه‌ی عناصر زبان را با توجه به نوع ارتباط و تفاوت‌هایی که میان آنها وجود دارد می‌توان به دو صورت تقسیم‌بندی کرد که تقابل میان این دو دسته، ماهیت هر یک از آنها را نمایان می‌سازد. کلمات در گفتار روابطی را میان خود برقرار می‌کنند که جریان این روابط به شکل خطی است و امکان تلفظ دو عنصر را در آن واحد ناممکن می‌سازد. این ترکیبات که تکیه‌گاهشان امتداد زمانی است «زنجیره» نامیده می‌شود. هر یک از عناصر این زنجیره در ارتباط با کلمات قبل یا بعد خود هویت می‌یابند. از سوی دیگر هر یک از این واحدها در خارج از چارچوب گفتار، به دلیل وجه مشترکی که با برخی از کلمات خارج از زنجیره‌ی اصلی دارند با آنها ارتباط می‌یابند و گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند که به نحو متفاوتی با یکدیگر رابطه برقرار می‌سازند. این نوع از روابط را «متداعی» می‌نامند. در اینجا سوسور به روابطی اشاره می‌کند که بعدها در زبان‌شناسی با الهام از او، روابط زنجیره‌ای (هم‌نشینی) و جانشینی (متداعی) نامیده می‌شود (سوسور^۲، ۱۳۸۹: ۱۷۶ و ۱۷۷). رابطه‌ی

² Saussure

هم‌نشینی و به ویژه جانشینی تا حد زیادی به دایره‌ی ذهنی واژگان شاعر وابسته است که به صورت زبانی شعر تنوع می‌بخشد. «مهم‌ترین نحوه‌ی تجلی کارکرد شعری زبان در شعر انتقال بعد جانشینی و استعارای زبان بر بعد هم‌نشینی است» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۴۹). در واقع بسیاری از کلماتی که در ذهن شاعر آماده‌ی هم‌نشینی و جانشینی با یکدیگر می‌گردند به واسطه‌ی انواع قرابت‌های صوری و معنایی تصویرسازی می‌کنند. ارتباط هم‌نشینی واژگان فراتر از سطح کلمات و در سطح جمله‌ها نیز رخ می‌دهد و گاه برخی از عبارات‌های وابسته با قرار گرفتن در قلب عبارات‌های بزرگتر معنای کلی متن را بیان می‌کنند. دانستن این نکته نیز خالی از فایده نیست که علی‌رغم اهمیت ویژه‌ای که محور نحوی در شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های زبان گوینده دارد؛ این جنبه از زبان «تا زمانی که فرمالیست‌های روسی در دهه‌ی بیست سده‌ی حاضر آن را مورد بررسی قرار دهند بیش از دیگر جنبه‌ها مطرود مانده بود» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۳۴).

۱-۳ سبک‌شناسی و سبک‌شناسی ساخت‌گرا^۳

سبک‌شناسی در قرن بیستم و با هدف بررسی معانی کلی متون ادبی و تأثیرات گوناگون آن بر خواننده به وجود آمده است (فالر، ۱۳۸۶: ۹۱). در حقیقت، سبک ساختاری نظام‌مند است که عبادیان وحدت عناصر و یکپارچگی متن را در گرو آن می‌داند (عبادیان، ۱۳۸۶: ۲۹). سبک‌شناس با تکیه بر گزینش در سطوح گوناگون معنایی و زبانی اعم از واژ‌دستوری و آوایی به بررسی تأثیرات کلی سخن هنرمند می‌پردازد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۰۵) و در پی آن است که با تحلیل جزئی ساختار متن، وحدت سبکی شاعر را تجزیه کند و بدین‌وسیله ویژگی‌های گوناگون اثر را به مرحله‌ی اثبات رساند. اگرچه عبادیان معتقد است که توجه خاص به بسامد واژگان در سبک‌شناسی سنتی بوده است (عبادیان، ۱۳۶۸: ۴۹) اما آنچه در سبک‌شناسی اصل قرار می‌گیرد «بسامد» است. «کار سبک‌شناسی بر پایه‌ی بسامد رخدادهای زبانی استوار است. بسامد مطلوب در تحلیل سبک عبارت است از تکرارهای برجسته و معنادار که نشان‌دهنده‌ی یک عادت زبانی یا یک مشخصه‌ی پایدار

^۳Structural stylistics

فکری و روحی باشد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۰). از سوی دیگر برخی از کلمات یک مجموعه‌ی شعری به رغم اینکه در مقایسه با کلمات کلیدی دارای بسامد کمتری هستند، گاه ممکن است در ساخت شعر و جهت زبانی شاعر نیز مؤثر واقع شوند؛ بنابراین ضروری است که کلمات کم‌بسامد نیز برای دستیابی به نتیجه‌ای درست و دقیق از کل یک مجموعه تا حدی مورد توجه قرار گیرند. نخستین بررسی فرمالیست‌ها نیز به‌عنوان گروهی که روش تحلیلی آنها در دوره‌های بعد با ظهور ساختارگرایان به تکامل بیشتری دست‌یافت با مطالعه‌ی مسئله‌ی آواها در سخن ادبی (شعر) آغاز شد (تودوروف، ۱۳۸۵: ۴۳). فرمالیست‌ها در تمام تحلیل‌های خویش زبان را به‌عنوان ماده‌ی اصلی متن و اساس شکل‌گیری سخن ادبی مورد بررسی قرار می‌دهند. در حقیقت تحلیل ساختاری، تحلیلی نشانه‌شناختی است که متن را بر اساس نشانه‌های صوری زبان تحلیل می‌کند. سوسور با مطرح ساختن بررسی نشانه‌ها به‌عنوان عنصر اصلی زبان در نوشتار و همچنین به‌عنوان نمود فردی زبان در گفتار؛ زمینه‌ی پیدایش بررسی‌های ساختارگرایی را فراهم می‌سازد و این اصل که هویت معنایی هر کلمه مرهون حضور آن بر روی دو محور هم‌نشینی و جانشینی است و ضرورتاً یک نظام را تشکیل می‌دهد نگرش اصلی ساخت‌گرایی سوسوری است (هولدکرافت، ۱۳۹۱: ۱۸۵). رومن یاکوبسن^۴ از بنیان‌گذاران «محفل زبان‌شناسی مسکو» نیز با برپایی «محفل زبان‌شناسی پراگ» در سال ۱۹۲۰ به‌عنوان یکی از نمایندگان اصلی این جریان به بررسی سخن ادبی با رویکردی زبان‌شناسانه و نظام‌مند پرداخت. این زبان‌شناس روسی زبان‌شناسی را تنها ابزار اصلی بررسی سخن ادبی می‌داند و با برجسته ساختن مباحث نحوی در بافت‌های گوناگون معنایی سوییحه‌ی محتوایی متن (شعر) را که راجر فالر از آن با عنوان «ابعاد کاربردی» (فالر، ۱۳۸۶: ۲۳) تعبیر می‌کند کمرنگ می‌سازد.

بحث

دفتر غزل عطار که به واسطه‌ی واژه‌ها و ترکیب‌های مضمون‌سازش مجموعه‌ای پرسوز از دنیای درونی شاعر را به تصویر می‌کشد به همراه گروهی از واحدهای مرتبط، به‌صورت

^۴Roman Jakobson

شبکه‌ای به هم پیوسته بیانگر مفاهیم عرفانی و عاشقانه و قلندری است؛ از آنجاکه این پیوستگی نمونه‌ی خوبی برای معرفی روش پژوهشی بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلمات کلیدی یک اثر است؛ در این مقاله نیز با تکیه بر مجموع غزلیات عطار به شرح بهتر این شیوه پرداخته می‌شود و نخستین مرحله‌ی تحقیق با شناسایی کلمات کلیدی غزل‌ها آغاز می‌گردد. کلیدواژه‌ها، گروهی از کلمات هستند که مضامین اصلی غزل با محوریت آنها تصویر می‌گردد. این کلمات چنان‌که در یک مجموعه‌ی شعری جهت معنایی متن را تعیین می‌کنند، در بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلمات کلیدی یک اثر نیز نقش مهمی بر عهده دارند. کلیدواژه‌ها یا در جهت معنایی شعر مؤثرند و به سبب این امر معنا از کلمات هم‌نشین به سمت این کلمات کلیدی در حرکت است و یا خود مرکزیت معنا را بر عهده دارند و معنا از کلیدواژه به سمت کلمات هم‌نشین جریان می‌یابد. این دو وجه با محوریت کلمه‌ی دل به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های اصلی غزل‌های عطار در دو بیت زیر نشان داده می‌شود.

دل ز تو بیهوش شد دیده برو زد گلاب زان‌که به از آب چشم دیده گلابی
(غزل ۱۳۹/ بیت ۴)

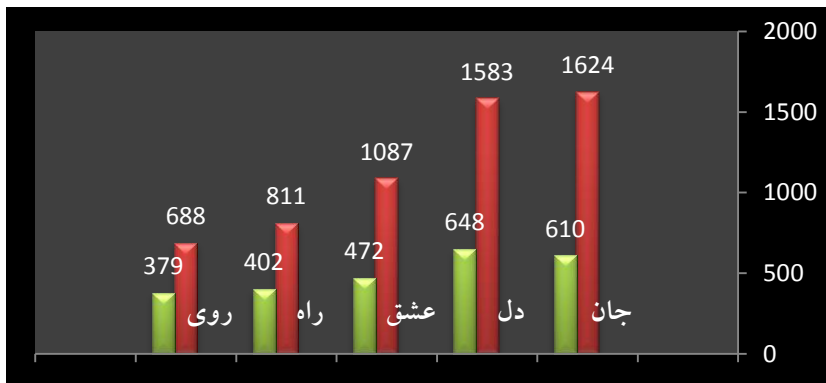
تا چشم برندوزی از هر چه در جهانست در چشم‌دل نیاید چیزی که مغز جانست
(غزل ۸۶/ بیت ۱)

در بیت نخست معنا از کلمه‌ی کلیدی دل به سمت سایر کلمات هم‌نشین در حرکت است در حالی که در بیت دوم، کلیدواژه‌ی دل بدون ایفای نقش محوری در بیت و تنها به دلیل نقش کلیدی خود در سراسر غزلیات عطار، کلمات هم‌نشین را به سمت خود جذب می‌کند. هر یک از کاربردهای فوق با قرار گرفتن در گروه‌های معینی که با دو صورت کلی مرتبط (مستقیم) و غیرمرتبط (غیرمستقیم) شناخته می‌شوند در بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلمات کلیدی یک اثر به‌کار می‌روند. در نخستین تقسیم‌بندی گروه‌های مرتبط و غیرمرتبط، گروه مرتبط شامل جملاتی می‌شود که کلیدواژه در آنها دارای نقش محوری و عاملی است و در گروه‌های غیرمرتبط جملاتی قرار می‌گیرند که کلیدواژه‌ها در آنها دارای نقش عاملی نیستند. صورت دیگری از تقسیم‌بندی این گروه‌ها (مرتبط و غیرمرتبط) نیز با توجه به حضور و یا عدم حضور کلیدواژه‌ها در جمله‌ها و بیت‌ها شناخته می‌شود. نمونه‌های بررسی

شده در این مقاله نیز به استثناء موارد ذکر شده در سطح ترکیبات، در جمله و با توجه به وجه نخست تقسیم‌بندی‌ها یعنی عامل و غیرعامل بودن کلیدواژه‌ها آورده می‌شود. در سطح ترکیبات نیز از هم‌نشین‌هایی سخن می‌رود که به‌طور مستقیم و بدون هیچ فاصله‌ای در مجاورت کلیدواژه‌ها قرار می‌گیرند.

در تحلیل شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌های یک اثر ابتدا به استخراج کلمات پربسامد پرداخته می‌شود و سپس مطابق کلمات کلیدی غزل‌های عطار در جدول و نمودار زیر، پربسامدترین کلمات آن مجموعه معین می‌گردد.

واژه	تعداد واژه	تعداد غزل
جان	۱۶۲۴	۶۱۰
دل	۱۵۸۳	۶۴۸
عشق	۱۰۸۷	۴۷۲
راه	۸۱۱	۴۰۲
روی	۶۸۸	۳۷۹



یکی از نکاتی که در ارائه‌ی بسامد کلیدواژه‌ها و بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی آنها باید به آن توجه شود شکل کلمات است. در برخی موارد کلماتی همانند بی‌دل و پردل در

نمونه‌های زیر با عدول از شکل بسیط^۵ خود یعنی دل و ره، به صورت غیربسیط در بیت ظاهر می‌شوند.

چون دل عطار بیرون دیدم از هر دو من ز تأثیر دل او بی‌دل و شیدا
(غزل ۵۰۸/ بیت ۸)

گرچه مردم همه در خواب خوشند زیرکی‌پر دل بیدار کجاست
(غزل ۳۰/ بیت ۶)

در چنین مواردی برای پرهیز از عدم دقت، به ویژه در بررسی حجم گسترده‌ای از یک مجموعه‌ی شعری و همچنین برای ارائه‌ی دقیق بسامد کلیدواژه‌ها و دقت در تحلیل ویژگی‌های گوناگون شبکه‌ی هم‌نشینی آنها بهتر است که پژوهشگر بررسی‌های خود را به دو بخش کلمه‌ی بسیط و کلمات غیربسیط تقسیم کند. در صورت رعایت این طبقه‌بندی، افزون بر بررسی همه‌جانبه‌ی کلیدواژه‌ها، میزان خط‌پذیری تحقیق نیز کاهش می‌یابد. اکنون پس از دریافت کلیدواژگان غزل‌های شاعر به بررسی ویژگی‌های گوناگون شبکه‌ی هم‌نشینی آنها در سطوح گوناگون زبان اعم از واژگان، ترکیبات و فعل‌ها پرداخته می‌شود. نام‌گذاری هر یک از این سطوح تحلیلی با عناوین زبان-معناشناسی، زبانی-ادبی و زبانی-نحوی نیز با توجه به محوریت مضامین قابل بررسی آنها صورت گرفته است. اکنون بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها در سه سطح تحلیلی نام برده با توجه به نقش کلیدی کلمه‌ی دل در غزل‌های عطار شرح داده می‌شود.

۱- تحلیل واژگان (زبان-معناشناسی)

۱-۱ مؤلفه‌های معنایی بیت‌های دارای کلیدواژه‌ها

تحلیل محتوای هر اثر حاصل بررسی مجموع نشانه‌های زبانی است؛ از این‌رو کندوکاوهای معنایی در یک مجموعه‌ی شعری تنها با دریافت معنای کلمه‌ای معین و هم‌نشین‌های مرتبط با آن میسر نمی‌گردد، بلکه بررسی این مقوله به یاری هم‌نشینی‌هایی که

^۵ خسرو فرشیدورد در کتاب ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی کلمه را از نظر ساختمان به دو قسم بسیط و غیر بسیط تقسیم می‌کند و کلماتی را که از یک سازه تشکیل می‌شود بسیط یا یک‌سازه‌ای و کلماتی را که از بیش از یک سازه به وجود می‌آید غیر بسیط یا ثانوی یا دومین می‌نامد.

در قلب عبارت‌های بزرگتر رخ می‌دهند، امکان‌پذیر است. بنابراین افزون بر بررسی موتیوهای معنایی به‌طور مستقل، سایر ویژگی‌هایی که ذیل عنوان «انواع ویژگی بیت‌های دارای کلیدواژه‌ها» به آن پرداخته می‌شود نیز با رویکرد معنایی و با نظر به هم‌نشینی‌های مرتبط و غیرمرتبط کلیدواژه‌ها بررسی می‌شوند.

۱-۱-۱ موتیوهای معنایی

در این قسمت مفاهیم پرکاربرد شاعر در بیت‌های دارای کلیدواژه استخراج و موتیوهای معنایی غزل معین می‌گردد. برای نمونه بررسی محتوای بیت‌های دارای کلیدواژه‌ی دل در غزل‌های عطار نشان می‌دهد که انتخاب مضامین در گستردگی دایره‌ی واژگان عطار مؤثر است و جان‌بخشی به دل از جمله مضامینی است که سبب کاربرد کلمات بیشتر برای ایجاد تنوع و گوناگونی معانی می‌گردد. از سوی دیگر برخی از مضامین، مانند خون شدن دل و دل دادن نیز در گروه موتیوهای معنایی غزل‌های او قرار می‌گیرند.

در آن مقام که دل‌های عاشقان خون شد چه جای ذردفروشان دیرآفاتست
(غزل / ۴۶، بیت ۳)

جان نبرم از تو من خسته‌دل کانکه به تو داد دل او جان نبرد
(غزل / ۱۹۹، بیت ۳)

۱-۱-۲ انواع ویژگی بیت‌های دارای کلیدواژه

همان‌طور که پیش از این اشاره شد بررسی ویژگی‌ها در این بخش نیز با رویکرد معنایی و در اغلب موارد با نظر به ژرف‌ساخت ابیات صورت می‌گیرد؛ اگرچه هر یک از این ویژگی‌ها با عبور از نشانه‌های صوری زبان به مرحله‌ی تحلیل محتوا می‌رسند؛ اما آنچه در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد معنای سخن است. برای شرح بهتر این ویژگی‌ها می‌توان به نمونه‌هایی از تصویرسازی و اغراق در بیت‌های دارای کلیدواژه‌ی دل در غزلیات عطار اشاره کرد.

زان تاختنش یوسف دل گر نشد افگار پس از چه سبب غرقه به خون پیرهن آورد
(غزل / ۲۱۶، بیت ۲)

لاله بس گرم مزاجست که با سردی کوه با دلی سوخته در خون جگر می‌گذرد

(غزل ۲۰۱/ بیت ۵)

کاربرد دو کلمه‌ی صد و هزار در بیت‌های دارای دل نیز از دیگر ویژگی‌های قابل ذکر غزل‌های عطار است که به نوعی بیانگر اغراق است.

چو زلف او دل پر تاب من ببرد به غارت ز زلف او به دل من هزار تاب درآمد

(غزل ۲۸۹/ بیت ۳)

هر دل که ز عشق تو خبر یافت صد جانش به رایگان گران بود

(غزل ۳۳۷/ بیت ۲)

۲- تحلیل ترکیب‌ها (زبانی-ادبی)

۲-۱ ترکیبات اضافی

۲-۱-۱ کاربرد اضافه‌های تشبیهی و اضافه‌های استعاری

در این بخش بسامد کاربرد کلیدواژه‌ها در هر یک از اضافه‌های تشبیهی و اضافه‌های استعاری بررسی می‌شود و پربسامدترین کلمات هم‌نشین آنها معین می‌گردد. نمونه‌هایی از کاربرد اضافه‌های تشبیهی و اضافه‌های استعاری در غزل‌های عطار آورده می‌شود.

جان غرقه سودای دل تن نیز ناپروای دل عطار از دریای دل صد گنج پیدا ریخته

(غزل ۷۲۰/ بیت ۱۱)

چشم دل را که نفس پرده اوست در جهان توتیا نمی‌دانم

(غزل ۵۶۲/ بیت ۱۱)

اگر بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها بر روی کلیدواژگان بیشتری از یک مجموعه صورت گیرد و یا اینکه این بررسی به‌طور تطبیقی بین آثار شاعران گوناگون انجام شود در چنین مواردی می‌توان به مقایسه‌ی میزان بسامد کلیدواژه‌ها در ترکیبات اضافی پرداخت و علل تشبیه‌مدار و استعاره‌مدار بودن برخی از کلیدواژه‌ها و آثار را مورد بررسی قرار داد.

۲-۲ ترکیبات وصفی

در ترکیبات وصفی نیز همانند ترکیبات اضافی ارتباط کلیدواژه‌ها با کلمات همراه خود به‌طور مستقیم (مرتبط) مورد بررسی قرار می‌گیرد و افزون بر بررسی آماری میزان کاربرد کلیدواژه در جایگاه موصوف یا صفت و تعیین پربسامدترین کلمات هم‌نشین آن، در صورت مشاهده‌ی کاربرد ویژه‌ای در این نوع ترکیبات، به آن نیز اشاره می‌شود. برای نمونه در بررسی ترکیبات وصفی مربوط به کلیدواژه‌ی دل در غزلیات عطار می‌توان به این امر اشاره کرد که بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که کاربرد کلمه‌ی کلیدی دل در ترکیبات وصفی بیش از اضافه‌های تشبیهی و استعاری است.

۳- تحلیل فعل‌ها (زبانی-نحوی)

یکی از سوالاتی که در این بخش به آن پاسخ داده می‌شود در ارتباط با عنوان برگزیده‌ی این سطح تحلیلی است. عنوان زبانی-نحوی در مرحله‌ی نخست یادآور این سوال است که آیا تحلیل سایر سطوح در بستر جمله اتفاق نمی‌افتد که کلمه‌ی نحو تنها در عنوان این سطح دیده می‌شود؟! به بخشی از پاسخ این سوال در ابتدای بحث و پیش از پرداختن به سه سطح تحلیلی، با این تعبیر که نام‌گذاری هر سطح با توجه به محوریت مضامین قابل بحث در آن صورت گرفته‌است، اشاره شده‌است؛ اما در ارتباط با عنوان تحلیل فعل‌ها می‌توان گفت از آنجا که فعل به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی جمله، در بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها نیز نقش به‌سزایی دارد و همچنین به سبب آن‌که نقش کلیدواژه‌ها در این بخش با فعالیت فعل‌ها در جمله برجسته می‌گردد، این بخش از تحلیل به قرینه‌ی یکی از عناصر اصلی (فعل) نحو بدین نام خوانده شده‌است.

بررسی ویژگی فعل‌های هم‌نشین کلیدواژه‌ها را نیز می‌توان به دو گروه هم‌نشینی‌های مرتبط و غیرمرتبط و همچنین هم‌نشینی‌های مرتبط را می‌توان به دو گروه هم‌نشینی‌های مرتبط یک‌سویه و دوسویه تقسیم کرد. منظور از هم‌نشینی‌های یک‌سویه و دوسویه که به‌عنوان زیرمجموعه‌ی هم‌نشین‌های مرتبط از آن سخن می‌رود، هم‌نشینی‌هایی است که کلیدواژه‌ها با توجه به نوع ویژگی و کاربرد فعل یا در یک سوی ارتباط هم‌نشینی و یا در هر دو سوی ارتباط دیده می‌شوند. انواع ویژگی فعل‌های هم‌نشین کلیدواژه‌ها نیز با قرار

گرفتن در این تقسیم‌بندی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. بررسی فعل‌های هم‌نشین، شامل انواع ویژگی‌هایی می‌شود که در ساختار و روابط معنایی فعل‌های بیت‌های دارای کلیدواژه‌ها به‌طور مستقل یا متقابل، با سایر کلمات و فعل‌ها دیده می‌شود. معیار گزینش و بررسی هر یک از این ویژگی‌ها نیز بسامد کاربرد آنها است. نمونه‌ای از این ویژگی‌ها در کاربرد فعل وصفی و تقابل فعل‌های هم‌نشین کلیدواژه‌ی دل در غزلیات عطار دیده می‌شود.

هم‌نشینی مرتبط یک‌سویه

دلَم برخواست و دینم رفت از دست کنون من بی‌دل و بی‌دین نشستم

(غزل ۴۸۸/ بیت ۲)

دل را شده پریشان حالی و روزگاری تا از کمند زلفت مویی خیال کرده

(غزل ۷۳۷/ بیت ۹)

هم‌نشینی غیرمرتبط یک‌سویه

در دل هر که نشینی نفسی ز غمت جان ز میان برخیزد

(غزل ۲۴۰/ بیت ۲)

یکی دیگر از مراحل بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها، تحلیل آماری کلمات هم‌نشین کلیدواژه‌ها در هر دو سطح تحلیلی واژگان و فعل‌ها است. کلیدواژگان یک مجموعه‌ی شعری گروهی از کلمات و فعل‌ها را پیوسته در سراسر غزل به سمت خود جذب می‌کنند و به‌واسطه‌ی هم‌نشینی با آنها مضامین غزل را به تصویر می‌کشند. این امر که تا حد زیادی جهت تأملات شاعر را نشان می‌دهد، مواد بررسی سبک‌شناس را برای انواع تحلیل‌های ساختاری و معنایی فراهم می‌سازد. یکی از دشواری‌های این مرحله از تحقیق که در صورت گستردگی حجم واحد پژوهشی در سایر مراحل تحقیق همانند بررسی فعل‌ها نیز دیده می‌شود، بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه به‌صورت مرتبط است؛ یعنی کلماتی که یا در هم‌نشینی مستقیم با کلیدواژه قرار می‌گیرند و یا در جمله‌ای قرار می‌گیرند که کلیدواژه با پذیرش یکی از نقش‌های پایه‌ای دستور مانند: نهاد یا مسندالیه مرکزیت معنای جمله را در پیوستگی با فعل بر عهده دارد. برای رهایی از دشواری این نوع

بررسی می‌توان هم‌نشین‌های مرتبط را چنان‌که پیش از این به آن اشاره شد به‌گونه‌ای دیگر تعریف کرد. در این تعریف، کلیدواژه تنها به شرط حضور در جمله و با پذیرش هر جایگاه دستوری به همراه کلمات هم‌نشین خود مورد بررسی قرار می‌گیرد و واحد شمارش کلمات هم‌نشین کلیدواژه‌ها نیز بیت در نظر گرفته می‌شود؛ بدین معنی که به‌عنوان مثال برای شمارش کلمه‌ی خون پیرامون کلیدواژه‌ی دل، افزون بر شمارش این کلمه در هم‌نشینی مستقیم دل، در صورت حضور این کلمه در بیت‌های دارای کلیدواژه‌ی دل نیز، بسامد آن به‌عنوان کلمه‌ی هم‌نشین این کلیدواژه محاسبه می‌گردد. تقابل فعل‌های هم‌نشین در زیر نیز هم‌نشینی‌های مرتبطی را نشان می‌دهد که کلیدواژه به شرط حضور در جمله و در هر جایگاه دستوری با فعل هم‌نشین می‌شود.

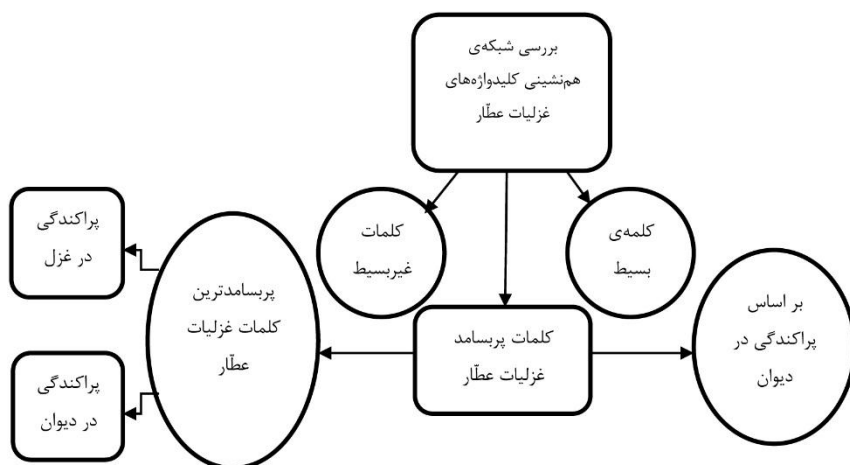
هم‌نشینی مرتبط دوسویه

هر کو بخرد به جان و دل فقر بر جان و دلش دو کون بفروش
(غزل ۴۴۶/ بیت ۱۳)

هم‌نشینی مرتبط یک‌سویه

قومی که در فنا به دل یکدیگر زیند روزی هزار بار بمیرند و برزیند
(غزل ۳۲۷/ بیت ۱)

طرحی از توالی بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها با تکیه بر غزلیات عطار در نمودار زیر نشان داده می‌شود.



نتیجه‌گیری

- ۱- بررسی شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها شیوه‌ای از بررسی‌های ساختاری است که بیانگر بسیاری از ویژگی‌های سبکی سخن گوینده است.
- ۲- این شیوه از تحقیق افزون بر ویژگی‌های ساختاری، برخی از ویژگی‌های معنایی را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ از این‌رو نوعی بررسی زبان-معناشناسی به شمار می‌رود.
- ۳- بررسی آماری کلیدواژه‌ها و کلمات هم‌نشین آنها علاوه بر ارایه‌ی فهرست پرسامدترین لغات یک مجموعه و هموار ساختن مسیر سایر پژوهش‌های مرتبط، به سبب کشف برخی از ویژگی‌ها و موتیوهای صوری و معنایی، امکان بررسی پژوهش‌های مستقل دیگری را با رویکردهای گوناگون علمی فراهم می‌سازد.
- ۴- تحلیل شبکه‌ی هم‌نشینی کلیدواژه‌ها بر اساس دو گروه مرتبط و غیرمرتبط و در دو نوع تقسیم‌بندی انجام می‌شود. این گروه‌بندی در مرحله‌ی نخست با توجه به نقش و عامل بودن کلیدواژه‌ها و در دومین مرحله با توجه به حضور و یا عدم حضور آنها در جمله‌ها و ابیات صورت می‌گیرد. طبق بررسی‌ها پیش‌بینی می‌شود که به رغم کارآمد بودن نوع دوم تقسیم‌بندی‌ها برای سهولت مطالعه‌ی محقق در حجم گسترده‌ی بررسی‌ها، راه‌یافت‌های حاصل از بررسی‌های تعریف نخست، یعنی عامل و غیرعامل بودن کلیدواژه‌ها از دقت و اطمینان بیشتری برخوردار است.

منابع

- ۱- اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، تهران: آگاه.
- ۲- آقاحسینی، حسین و آگونه‌جونقانی، مسعود، (۱۳۸۸)، هاله ارزشی واژگان، نشریه‌ی جستارهای ادبی (دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره‌ی ۱۶۵، صفحه‌ی ۱۸۰-۱۶۱.
- ۳- تودوروف، تزوتان، (۱۳۸۵)، نظریه‌ی ادبیات متن‌هایی از فرمالیست‌های روس، ترجمه‌ی عاطفه طاهایی، تهران: اختران.
- ۴- سلیمانیان، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، نگاهی به زبان عارفان از چشم‌اندازهای معرفت‌شناسی و زبان‌شناسی، فصل‌نامه‌ی ادب‌پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۱، صفحه‌ی ۱۶۶-۱۴۳.
- ۵- سوسور، فردینان دو، (۱۳۸۹)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: هرمس.
- ۶- عبادیان، محمود، (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات، ناشر: انتشارات جهاد دانشگاه تهران.
- ۷- عطّارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد، (۱۳۸۴)، دیوان عطّار، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- عمران‌پور، محمدرضا، (۱۳۸۶)، اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه درگزینش واژگان شعر، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی (گوهرگویا)، شماره ۱، صفحه‌ی ۱۸۰-۱۵۳.
- ۹- فالر، راجر و دیگران، (۱۳۸۶)، زبان‌شناسی و نقد ادبی، ترجمه‌ی مریم خوزان و حسین پاینده، چاپ سوم، تهران: نی.
- ۱۰- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۱۱- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۹)، ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی، تهران: زوآر.
- ۱۲- لوریا، الکساندر، (۱۳۷۶)، زبان و شناخت، ترجمه‌ی حبیب‌الله قاسم‌زاده، چاپ دوم، تهران: فرهنگان.
- ۱۳- مهاجر، مهران ونبوی، محمد، (۱۳۷۶)، به سوی زبان‌شناسی شعر: ره‌یافتی نقش‌گرا، تهران: مرکز.
- ۱۴- هولدرکرافت، دیوید، (۱۳۹۱)، سوسور: نشانه‌ها، نظام و اختیاری بودن، ترجمه‌ی سپیده عبدالکریمی، تهران: علمی.